



فیلم‌های تابستان ۲۰۰۱: بازسازی آثار گذشته، با کمی تفاوت

پارک ژوراسیک ۳، مومیایی ۲، ساعات پرترافیک ۲ و... پس کی نوبت تایتانیک می‌شود؟

اصلی ساخته شود تا پرفروش باشد. در اثر قبلی که در تابستان سال ۱۹۹۷ اکران شد، ما ۶۵ نمای جلوه ویژه داشتیم که حدود ۵۰ تای آنها در مورد دایناسورها بود. در این فیلم جدید، فقط تعداد نماهای ویژه دایناسورها، متجاوز از ۱۷۰ نماست.» البته تفاوت‌های میان این فیلم و اثر اصلی «پارک ژوراسیک» که در سال ۱۹۹۳ اکران شد و نسخه بعد به نام «دنیای گمشده: پارک ژوراسیک» که چهار سال بعد از آن به بازار آمد، به همین امر ختم نمی‌شود. در ابتدا، مسؤلان انیمیشن وسواس خاصی داشتند که دایناسورهای خلق شده از نظر اندازه، قیافه و رفتار، با دانش علمی بشر مطابقت داشته باشند. اما تیلر می‌گوید که در فیلم جدید، تلقی سازندگان این بوده که اگر در صحنه‌ای لازم است که دایناسوری خشن‌تر، بزرگتر یا سریع‌تر از آنچه باید باشد، رفتار کند، جذابیت فیلم را باید بر تطابق علمی، ترجیح داد. به گفته او، در اثر سوم، «جذابیت

دن تیلر جلوی مانیتور کامپیوتر خود نشسته و آن صحنه را چندین دفعه می‌بیند و بازبینی می‌کند. در صحنه‌ای که دایناسور عظیمی برمی‌گردد، به جلو می‌جهد و بازیگری را که جز جیغ زدن کار دیگری از دستش بر نمی‌آید، با یک حرکت به دندان می‌گیرد و می‌بلعد. تیلر می‌گوید: «این دایناسور را ما از صفر شروع کردیم و ساختیم، به حرکت ماهیچه‌هایش، زیر پوستش نگاه کن و ببین چقدر طبیعی است!»

دن تیلر مسئول انیمیشن در فیلم «پارک ژوراسیک ۳» است؛ یکی از آثار متعدد بازسازی، اقتباس یا الهام گرفته شده از آثار گذشته که استودیوهای هالیوود، در تابستان امسال اکران می‌کنند. در سالهای اخیر، ساختن بازسازی نمونه‌های موفق، به عنوان آثاری کم‌خطر که فروش تضمین شده‌ای دارند، رواج دوباره‌ای یافته و مسؤلان استودیوها را مشتعل داشته است. تیلر در این باره می‌گوید، «البته بازسازی باید بهتر از

RUSH HOURS 2 JURASSIC PARK 3

و در واقع چشم‌انداز و دستمایه‌های تازه‌ای از شخصیت‌ها در اختیار تماشاگران قرار دهد، بی‌آنکه جلوی جذابیت تکرار همان تجربه شیرین نسخه اصلی را بگیرد.

فیلم «بازگشت مومیایی» در اولین تعطیلی آخر هفته‌ای که اکران شد، در مجموع ۸۸/۱ میلیون دلار فروش کرد و به این ترتیب رکوردشکنی کرد. این میزان فروش، در تاریخ فیلم‌هایی که در یک تعطیلی آخر هفته غیرمتصل به یک تعطیلی رسمی دیگر اکران شده‌اند، بیش از هر فیلم دیگری بوده است. رکورد قبلی با ۶۴/۸ میلیون دلار، به فیلم «جنگ ستارگان: تهدید شیخ»



در سال ۱۹۹۸، متعلق بود.

برت‌راتز که هنوز مراحل تولید فیلم «ساعات پر ترافیک ۲» را پشت سر می‌گذارد، در این باره می‌گوید: «ساختن نسخه دوم کار بسیار پردرسر و زحمت‌داری است. دلم نمی‌خواهد تماشاگران از سالن سینما که بیرون می‌آیند بگویند، خب عین همین فیلم را قبلاً هم دیده بودیم. من می‌توانم فیلمی عین نسخه اصلی بسازم و دست آخر ضرر هم نکنم. ولی هدف من عرضه اثری بهتر از نسخه اصلی است. می‌خواهم نشان دهم که می‌توانم اثر بهتری بسازم. وگرنه، اصلاً چرا بازسازی کنیم؟ صاف و پوست کنده می‌گویم، ساختن نسخه بعدی، از ساختن یک اثر اصیل دشوارتر است.» این فیلم قرار است اواخر تابستان امسال اکران شود.

این فیلم که در آن «جکی چان» و «کریس تاکر» بازی می‌کنند، در هنگ‌کنگ و آمریکا می‌گذرد و طبق روال فیلم‌های جکی چان، سرشار از صحنه‌های حادثه‌ای و زد و خورد و (در این اثر) تعقیب با قایق موتوری است. راتز می‌گوید که برای بازسازی این اثر، کوشیده است تا خط داستانی را با کمک فیلمنامه‌نویسان خود، توسعه بخشد.

او درباره نسخه اول که در سال ۱۹۹۸ با موفقیت اکران شد، و بازسازی آن چنین می‌گوید: «بارها از خودم پرسیدم، عامل موفقیت و محبوبیت این فیلم در میان مردم چه بود و لحن فیلم چگونه بود که مردم از آن لذت بردند؟ به این نتیجه رسیدم که ما در اثر اصلی، تعادل خوبی میان اکشن و کمدی ایجاد کرده بودیم. از سوی دیگر، فکر می‌کنم یک عامل مهم در موفقیت نسخه اصلی این بود که ما یک «مرد بد» خیلی خوب داشتیم که

فیلم چربش آشکاری دارد.»

استودیوهای هالیوود، وقتی تلاش می‌کنند تا دستمایه‌های موفق را به دفعات مورد استفاده مجدد قرار دهند، مورد سرزنش واقع می‌شوند و حق هم همین است که سرزنش شوند. البته وقتی اثری جذاب و پر فروش از کار در می‌آید، استودیوی سازنده می‌خواهد تا حد ممکن روی آن سرمایه‌گذاری کند و تا می‌تواند، پول بسازد. این کار موجه‌تر از سرمایه‌گذاری روی اثر تازه‌ای است که معلوم نیست مورد استقبال تماشاگران قرار بگیرد، یا نگیرد. اگر هم نسخه‌های بعدی موفق نشود، تهیه‌کننده همیشه این بهانه را دارد که عنوان کند، من قواعد و چارچوب‌های اثر اصلی را رعایت کردم، و از کجا می‌دانستم که موفق نخواهد شد؟

بنابراین، از حالا باید مطمئن بود که فیلم‌های تابستان امسال، که سرشار از فیلم‌های تکراری و مشابه‌سازی شده است، با حملات شدید منتقدان روبرو خواهد شد. البته سازندگان این آثار هم، به نوبه خود، خواهند گفت که خلق یک بازسازی خوب و قابل قبول، تا چه حد دشوار است و این نکته‌ای است که منتقدان متوجه آن نمی‌شوند. بیهوده نیست که تعداد نسخه‌های بازسازی شده خوب، بسیار محدود است. علت آن هم فقط این نیست که عوامل دست‌اندرکار تولید نسخه‌های دوم و سوم، از جمله کارگردان، بازیگر و فیلمنامه‌نویس، فقط در فکر نقد کردن چک خود هستند و در تمام طول مسیر خلق دنباله‌ها، مثل خوابگردها این سو و آن سو می‌روند.

برای مثال، فیلم «بازگشت مومیایی» را که امسال اکران شده است، در نظر بگیرید. نسخه اصلی این فیلم در سال ۱۹۹۹ اکران شد. این فیلم آمیزه‌ای از آثار ترسناک و حادثه‌های ایندیانا جونز بود و به نحو غیرمنتظره‌ای پر فروش از کار درآمد. طبعاً سازندگان آن به فکر نسخه دوم افتادند که ماحصل آن «بازگشت مومیایی» بوده است. استیون سامرز نویسنده فیلمنامه و کارگردان این نسخه دوم می‌گوید: «کار ما آسان نبود، چون می‌دانستیم که اغلب نسخه‌های بازسازی شده براساس آثار موفق، شکست می‌خورند و آثار بدی هستند.»

سامرز که فیلمش روز ۴ ماه مه به‌عنوان اولین اثر بازسازی شده تابستان امسال اکران شده می‌گوید که مصمم بود تا از تله‌هایی که سازندگان آثار بازسازی شده قبلی در دام آن گرفتار شده بودند، اجتناب کند.

سامرز می‌گوید: «بنابراین کاری که کردم این بود که تمام نسخه‌های بازسازی شده خوب و بد را به دفعات تماشا کردم. صدها نسخه را بارها دیدم. خوبها را که به‌نظر من عبارتند از «پدر خوانده ۲» و «تنها در خانه ۲» بیشتر دیدم و از خودم پرسیدم: «راز موفقیت آنها در چه بوده است؟ سرانجام به این نتیجه رسیدم که باید فیلمنامه‌ای بهتر از اثر اصلی، یا دست کم به همان خوبی داشته باشیم. سپس باید راهی پیدا کنیم که تماشاگر بی‌آنکه فراموش کند چرا از شخصیت‌های ماجرا خوشش آمده بود، نسبت به آنها شناخت بهتری پیدا کند و با زوایای تازه‌ای از زندگی آنان آشنا شود.»

عین همین حرف را، چند تن دیگر از فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان نسخه‌های بازسازی شده هم، ذکر کرده‌اند. همه آنان می‌خواسته‌اند تا فیلمی بسازند که فقط تکرار نسخه اصلی نباشد

صحنه‌ای از پارک
ژوراسیک ۳

SCARY MOVIE 2 DR. DOLITTLE 2

فیلمسازی است.»

جیمز راجرز کارگردان یکی دیگر از این آثار بازسازی که «امریکن پای ۲» نام دارد، با تکرار همین مطالب، می‌گوید که هدف اولش عدم تکرار مضامین خنده‌دار نسخه اصلی اکران شده در سال ۱۹۹۹ بوده است. راجرز می‌گوید که چندین فیلمنامه پیشنهادی به او، حاوی همان شخصیت‌ها بود که هنوز در دبیرستان هستند و کم و بیش همان موضوع‌های کمیک و دغدغه‌های جوانان دبیرستان را پیش می‌کشیدند. اما او و فیلمنامه نویسانش، به جای تکرار همان موقعیت‌ها و افزودن چند شوخی تازه، تصمیم گرفتند داستان فیلم را به آینده بکشانند. در داستان جدید جیسن بیگر که ستاره اصلی هر دو فیلم است، از دانشگاه به خانه باز می‌گردد.

راجرز می‌گوید: «مادر این فیلم هم با همان شخصیت‌های اصلی نسخه اول که مردم دیده و آشنا هستند، سر و کار داریم، ولی این شخصیت‌ها چند سالی بزرگتر و با تجربه‌تر شده‌اند، ولی در عین حال، در یاد آوری‌های خاطرات خود، شاهد تکرار موقعیت‌ها و شوخی‌هایی نظیر نسخه اصلی هستیم. اگر این تمهید را به‌کار نسته بودیم، داشتیم خود را تکرار می‌کردیم و چرا باید چنین کاری کرد؟ ما در فیلم جدید، موقعیت‌های تازه زیادی ایجاد کردیم، و گزینه تکرار همان اثر چه فایده‌ای داشت؟» ادی مورفی هم بار دیگر با فیلم «دکتر دولیتل ۲» در نقش دکتری که قادر است با حیوانات حرف بزند، ظاهر می‌شود. این بار او مأموریتی در جهت حفظ محیط زیست دارد و می‌خواهد جنگل‌ها را از نابودی نجات دهد و در عین حال مشکلات جفت‌گیری حیوانات را حل کند. در این فیلم گروهی از چهره‌های مشهور از جمله نورم مک دانلد، لیزا کودروف و فیل پراکتر به جای حیوانات حرف می‌زنند.

روز چهارم جولای شاهد اکران «فیلم ترسناک ۲» بودیم که بازسازی اثر پرفروش تابستان سال گذشته است و خود آن در واقع فیلمی است در هجو فیلم‌های ترسناک. جالب اینجاست که پوستر فیلم سال قبل، وعده داده شده بود، که نسخه دنباله‌ای از آن ساخته نخواهد شد. تولیدکنندگان این فیلم همان جمله را روی پوستر جدید آورده‌اند، ولی روی آن را با علامت ضربدر، خط کشیده‌اند. کارگردان نسخه جدید هم کماکان کنت آوبری و این‌نر است و مضمون فیلم جدید، هجو فیلم‌های ترسناک با دستمایه مذهبی، نظیر «جن گیر» است.

«پارک ژوراسیک ۳» قرار است روز ۱۸ جولای اکران شود. در این فیلم بار دیگر سام نیل در نقش دکتر آلن گرانٹ ظاهر می‌شود (نیل در نسخه اصلی بود، ولی در نسخه بازسازی شده اول حضور نداشت). کارگردان فیلم جو جانسن است که فیلم «جومانجی» را ساخته بود. دیگر بازیگران فیلم جدید عبارتند از ویلیام بلسی، تالونوی و مایکل جینز. قصه فیلم از این قرار است که هواپیمای حامل دکتر گرانٹ و همراهانش، در جزیره‌ای که پر از دایناسور است، سقوط می‌کند.

«سیاره میمون‌ها» حکایت دیگری دارد. آیا این فیلم که روز ۲۷ جولای اکران می‌شود، نیز به همین فهرست فیلم‌های بازسازی شده تعلق دارد یا خیر؟ بی‌تردید، تیم برتون خالق این اثر و کمپانی سازنده، یعنی فاکس، بر اصالت اثر خود پامی فشارند. این فیلم به جای آنکه بازسازی اثر تحسین شده سال ۱۹۶۸ با بازی چارلتون هستون باشد، که به نوبه خود انبوهی دنباله و مجموعه تلویزیونی به همراه آورد، قصه جدیدی دارد و

دشمن ماهری علیه قهرمانان فیلم ما بود و با به پای آنان پیش می‌آمد و شکست دادش کار آسانی به‌نظر نمی‌رسید. بنابراین، اولین چالش من این بود که مرد بد فیلم دوم، اگر هم بهتر از مرد بد فیلم اول نباشد، دست‌کم به همان خوبی از کار آید. اولین هدف من این بود.»

راتز ادامه می‌دهد: «این کار آسانی نیست، چون از یک سو، می‌خواهی که در حول و حوش همان نسخه اصلی بمانی، و از سوی دیگر می‌خواهی چیزهای بیشتری به تماشاگران بدهی، و این است که کار را دشوار می‌کند. در ساختن بازسازی، نمی‌شود از چارچوب اثر اصلی فاصله زیادی گرفت، چون در آن صورت تماشاگر سردرگم می‌شود. حفظ چهارچوب اصلی مهم است. در اثری چون این که آمیزه‌ای از اکشن و کمدی است، باید هر دو عامل اکشن و کمدی جدید باشند تا حوصله تماشاگر سرنوود و فیلم جذابیت خود را از دست ندهد. در ضمن باید به‌خاطر داشت که تکرار کمدی اثر اول، فایده‌ای ندارد چون دیگر خنده‌دار نخواهد بود. به عقیده من، ساختن نسخه بازسازی بر پایه یک اثر موفق، یکی از دشوارترین کارها در حرفه

صحنه‌هایی
از فیلم
ساعات
پر ترافیک ۲



را ساخت. «بتن» اگر چنین شده به خاطر حضور تیم برتون بود. «ماتریکس» این را مدیون کارگردانی هوشمندانه برادران واچوفسکی است. وقتی آنقدر خوش شانس هستی که یک فکر عالی و دستمایه ارزنده را با یک فیلمساز ماهر و هوشمند کنار هم بگذاری، آن وقت است که اثری ماندگار و دنباله آفرین خلق می‌شود. در ماه اگست دو فیلم «ساعات پرترافیک» و «امریکن پای ۲» اکران خواهد شد. هم چنین در این ماه شاهد فیلمی از کوین اسمیت خواهیم بود به نام «جی و سابلنت باب دوباره می‌تازند». که گر چه دنباله یا بازسازی هیچ فیلمی نیست، اما حاوی دو شخصیتی است که در تمام فیلم‌های کوین اسمیت از «کارمنداها» به این سو، حضور داشته‌اند و نقش «سابلنت باب» را هم خود کوین اسمیت بازی می‌کند.

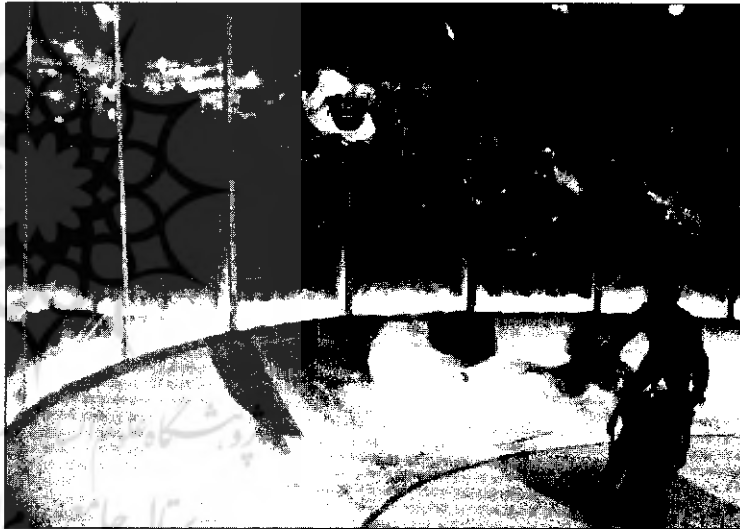
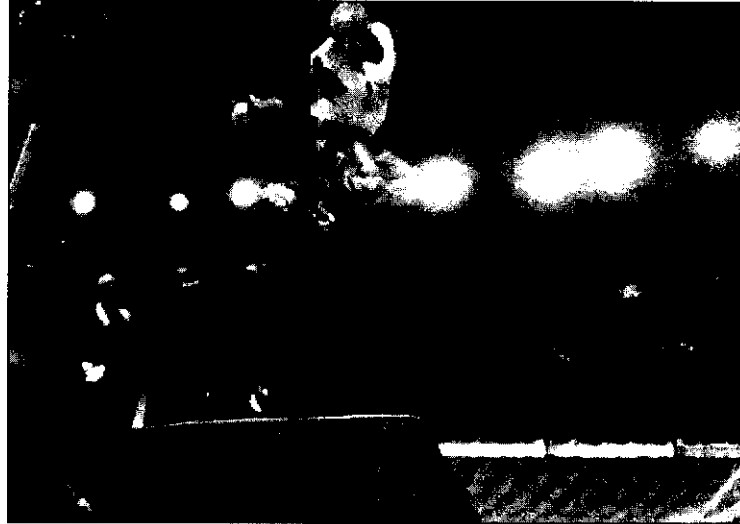
روز ۱۷ اگست، فیلم «رولربال» ساخته جان مک تیرنان، از مشهورترین سازندگان فیلم‌های پر حادثه در سالهای اخیر، اکران خواهد شد. این فیلم بازسازی اثری به همین نام است که نورمن جیوسن در سال ۱۹۷۵ ساخته و داستان آن درباره یک مسابقه خشن است که شرکت‌کنندگان تا حد مرگ همدیگر را کتک می‌زنند و از میدان سابقه بیرون می‌اندازند.

و به‌عنوان حسن ختامی به تابستان سرشار از بازسازی و شبه بازسازی، فرانسیس فورد کوپولا، فیلم «اینک آخر زمان» (پوکالیپس ناو) خود را، با تلویزیونی دوباره، اکران خواهد کرد. کوپولا این فیلم را در روز ۱۵ اگست، یعنی درست ۲۲ سال بعد از اکران نسخه اصلی، پخش می‌کند. او ۵۲ دقیقه به نسخه جدید افزوده است و منتقدان از این نسخه جدید، به‌عنوان یک شاهکار و شاید بهترین فیلمی که او ساخته است، یاد می‌کنند.

تام راتمن درباره دوباره سازی‌ها و شبه سازی‌ها نکته خوبی می‌گوید. او معتقد است که اشتباه رایجی که مردم می‌کنند این است که تفاوت بازسازی فیلم‌هایی نظیر «فیلم ترسناک» و «ساعات پرترافیک» با نسخه‌های اصلی آنها را که فقط یک اثر پرفروش بودند، یا فیلم‌هایی نظیر «بت‌من» و «سیاره میمون‌ها» که اساساً برای ساخت دنباله‌های بعد طراحی شده بودند، در نظر نمی‌گیرند و این دو دسته فیلم را با هم قاطی می‌کنند. او می‌گوید: «برنامه‌ریزی و طراحی فیلم‌هایی که می‌دانی می‌خواهی قسمت‌های بعدی آن را هم تولید کنی، کار بسیار سختی است، چون باید آینده‌نگری مبسوطی در آن انجام گیرد. برای مثال «مردان ایکس» یکی از این فیلم‌هاست. حتی قرارداد فیلم جوری نوشته شده بود تا فیلم‌های بعدی را هم در بر بگیرد. کار تهیه‌کننده این نوع فیلم‌ها آن است که برنامه‌ای آینده‌نگرانه بریزد و تا چند فیلم بعد را پیش‌بینی کند و براساس موفقیت فیلم پیش برود».

بنابراین کار مسوولان استودیوها فقط این نیست که ارزیابی کنند، کدام فیلم خوب فروخت. یا بهتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد موفق از کار درآمد و قراردادهای لازم برای ساخت بازسازی آنها را آماده کند یا نکند.

راتمن در این باره می‌گوید: «ما نفعدها که درباره ما بدگوئی می‌شود. آدم‌های کودنی نیستیم که فقط در فکر سودجویی از روی بازسازی نسخه‌های موفق باشیم. ما می‌دانیم که فروش خوب و غیرمنتظره یک فیلم، الزاماً ضامن فروش خوب نسخه بازسازی شده آن نخواهد بود. اگر چنین بود، چرا کسی به فکر آن بیفتاده تا «تاینتیک» را بازسازی کند؟



شخصیت‌ها و حال و هوای فیلم نیز، به کلی با اثر اصلی تفاوت دارد.

تام راتمن یکی از مدیران کمپانی فاکس می‌گوید: «فیلم «دکتر دولیتل ۲» بازسازی یک اثر کم‌دی پرفروش است، ولی «سیاره میمون‌ها» را به هیچ‌وجه و از هیچ‌نظر نمی‌توان بازسازی هیچ اثری نامید. قصه و شخصیت‌های فیلم تیم برتون، به کلی با اثر قبلی تفاوت دارند. تنها وجه تشابه، مضمون و عنوان فیلم است. در آن فیلم، صحبت از سیاره‌ای است که در آن میمون‌ها مسلط هستند و البته تمام نمایی است از جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم. اما در فیلم جدید، داستان در کره زمین نمی‌گذرد، در آن از مجسمه‌آزادی تا نیچه مدفون در خاک اثری نیست. فیلم حال و هوا و شکل تازه و متفاوتی دارد».

البته این بدان معنا نیست که «فاکس» آمینوار نباشد تا «سیاره میمون‌ها» بازسازی‌های خودش را داشته باشد.

راتمن می‌گوید: «خلق فیلمی که با خود فرحست‌بار سازی‌های بعدی فراهم آورد، نیازمند حضور یک فیلمساز قدرتمند است. اگر «میتاتور» دنباله داشت، به‌خاطر جیمز کامرون بود که فیلم اول

رولربال،
فیلم جذاب
نورمن جیوسن